لردگری

کردن برودخانهء کوی‏صو موفّق نگردند پیش از دستبرد سالداتها خود را هلاک کنند و خود را بدست آنها نیندازند.فاطمه خواهر شامل مردانه‏ بوعدهء خود وفا کرد.در آخرین موقعی که چند نفر سرباز با سر نیزه‏ باو حمله میکردند و از هر طرف راه چاره را بخود بسته دید بدون تأمّل‏ خود را بقعر پرتگاه انداخت و نام پهلوانی و دلاوری کسب کرد و مرگ‏ او فاجعهء دلخراشی گردید.

یک صاحب منصب روسی که بعد وقایع این جنگ را نوشته و شاهد عینی این واقعهء دلشکاف بوده مینویسد:«وقتی که بامر سرکردهء کلّ فوج‏ خود را از آخرین قلّهء که بقلعه میرسید بطرف قلعه برای حمله پیش میبردم‏ دفعة در مقابل خود در روی صخرهء که بالای سر ما بود یک دسته زن‏ دیدم که حالت آنها بی‏نهایت تأثّرانگیز بود.این زنها فهمیده بودند که‏ دیگر آخرین راه امید برای آنها بسته شده و عنقریب هجوم آخرین دشمن‏ آنها را مستأصل خواهد کرد بی‏محابا و بی‏باک از قلعه بیرون آمده این‏ صخره را پناهگاه خود ساخته و مستعدّ جدال بودند.در صورت آنها ابدا علائم تسلیم و رضای بقضا نبود.بر عکس چشمهای آنها از غضب‏ میدرخشید و لبهایشان میلرزید و گونهء آنها سرخ شده بود.لباسهای آنها پاره‏ پاره شده ولی زلفهای سیاه پریشانشان بر روی شانهای سفید عاجی آنها افتاده و همگی پیر و جوان زن و دختر درّنده‏وار که منتظر شکار خود است در کمین‏گاه میپائیدند.همینکه زنان مرا از دور دیدند اوّل برای‏ مدافعه شروع بپرانیدن قطعه‏های سنگ بزرگ نمودند و بدینطریق عدّهء از سربازهای مرا بقعر پرتگاه انداختند.وقتیکه حدّت سالداتها را دیدند فورا تپانچه‏های خود را استعمال کردند و مقدار کثیری را بخاک‏ انداختند.تمامی این زنها مسلّح بخنجر یا ششکه بودند.بالأخره مقابله را با سر نیزهء سربازها که نزدیک میشدند محال دیدند.درین حال بیش‏ از سی قدم بین ما فاصله نمانده بود که بآنها برسیم.در میان ایشان زنی‏ بس جوان و ظریف دیدم که از سینهء لخت خود یک طفل یکسالهء را که‏ بپستان او مثل امیدگاه آخری چسبیده بود دور کرده و با تهوّر تمام سر فرزند خود را در میان دو سنگ کوفت و بدن او را بقعر درّهء که رودخانهء کوه صو در آن‏جاری بود پرت نمود.بعد از آن دو تپانچهء خود را بطرف ما خالی کرد و دو نفر را از پا درآورده آنوقت اشاره بهمراهان‏ خود نموده و همگی فریادزنان مردانه در عوض تسلیم خود را بقعر پرتگاه‏ انداختند همینکه ما بآنمقام رسیدیم کسی و چیزی بجز این تماشای‏ دلخراش نیافتیم و اغلب سربازان من از مشاهدهء دلاوری و جانبازی آنها گریستند.

بعد از این واقعه که تمام مساعی روسها بهدر رفته و شامل از چنگ‏ ایشان بدر رفته بود روسها بیحدّ متأثّر و خشمگین گشتند.بر عکس مقام‏ بزرگی و شهامت و جسارت پهلوان قفقاز بلندتر گردید و آنهائیکه مذبذب‏ بودند و یا اطمینان نداشتند بطرف او مجذوب شدند.و این دفعهء سوّم‏ بود که شامل از چنگال روس بمعجزه نجات یافته بود.

لردگری

چنانکه معلوم است کابینهء انگلیس در چهاردهم ماه جاری(صفر) تغییر یافت و از جملهء وزرای منفصل لردگری معروف است که از وزارت‏ یازده سالهء خود کناره کشید و مستر بالفور بجای او وزیر خارجهء انگلیس‏ گردید.

بدین مناسبت روزنامهء رسمی آلمان«نرد دویچ آلگماین تسایتونگ» مورّخهء 18 صفر مقالهء مفصّلی در شرح حال لردگری و طرز سیاست او نوشته است.روزنامهء مذکور ابتدا از دخول‏گری در دایرهء سیاست‏ خارجهء انگلیس و طرز زندگی و حالات شخصی او که نمونهء کامل یک‏ نفر انگلیسی است صحبت میدارد.لردگری اگرچه از همان اوایل‏ عمر در سنّ سی سالگی معاون پارلمانی وزارت خارجه بوده است‏ از وقایع عامّه و جریان افکار در ممالک خارجه بی‏اندازه کم اطّلاع بوده‏ است.و قریب بیست سال پیش وقتیکه لردگری خود را از دایرهء سیاست کنار کشید بدون درنگ داخل در دایرهء ورزش و توپ‏بازی‏ و ماهی‏گیری و انواع دیگر بازیها گردید.در سال 1316 اوّلین جایزهء گوی بزی معروف به«تتس»را در دستهء بازیگران«کوینز کلوب»برد. یک موقع مهمّی در فنّ ماهی‏گیری با قلاب و نی بدست آورد.در سال‏ 1317 کتابی در خصوص«ماهی‏گیری بواسطهء طعمهء مگس»1تألیف‏ و طبع نمود!و از این کتاب معلوم میشود که چه اندازه مصنّف در موضوع‏ خود مهارت تامّ داشته است.اوّلین دفعه که گری از خاک انگلیس قدم‏ بیرون نهاد در بهار سال 1333 بود که همراه پادشاه خود چند روزی بپاریس‏ آمد.در مقالهء مذکور شرح میدهد که چگونه این بی‏اطّلاعی و بی‏تجربگی‏گری‏ بعلاوهء حالت خودسری و لجاجت و استبداد برأی وی او را بکلّی در زیر نفوذ سیاست روس و فرانسه نهاده بود.در جمیع مناقشات بین المللی لرد گری نفوذ خود را بر ضدّ منافع آلمان استعمال میکرد.در اینکه این رویّهء سیاست او بخودی خود یک خطر بزرگی برای صلح اروپا بود در خود انگلستان هم ملتفت این نکته شده بودند.در نامهء که دو نفر از سیاسیّون‏ انگلیس در سال 1331 بپارلمان نوشته‏اند از جمله میگویند:

«بطور وضوح سیاست حالیّهء ما که عبارت است از تقویت‏ سیاست فرانسه و مخالفت با سیاست آلمان بدرجهء تند تعقیب میشود که‏ منافع خود انگلیس در ضمن پامال شده است....و همین‏ نحو روابط ما با روس باندازهء مستحکم شده است که معاهدهء ماه‏ اوت 1907(رجب 1325)که بمقتضای آن طرفین متعاهدتین متعهّد تمامیّت و استقلال ایران شده‏اند فقط یک آلتی بدست روس شده است که‏ شمال ایران را ببلعد».

(1)یعنی اگر مگس را برای طعمهء ماهی‏گیری استعمال کنند چگونه‏ میتوان ماهی گرفت.

نیز روزنامهء«تروث»(حقیقت)در همان اوقات نوشت که فقط خطری که برای برهمزدن توازن قوای اروپا محتمل است بواسطهء انگلیس‏ خواهد بود چه دولت انگلیس بواسطهء رها کردن سیاست سالیسبوری‏ و بدون هیچ دلیلی داخل در سیاست اتفاق با دول دیگر شدن سنگینی‏ قوّهء عظیم بحری خود را در کفّهء ترازوی اتّفاق ثلاثی افکنده است. مخابرات مابین انگلیس و آلمان در سال 1331 فقط بواسطهء بی‏اعتدالی‏ و لجاجت‏گری بجائی نرسید.مقاولاتی که مابین انگلیس و روس در خصوص عقد یک معاهدهء بحری که ایزوولسکی نقشهء آنرا کشیده بود واقع‏ گردید ثابت میکند که تا چه درجه‏گری در تحت نفوذ سیاست فرانسه‏ و روس بوده است.در آخر مقاله گوید که اگرچه ظهور جنگ عالمگیر مانع انعقاد معاهدهء بحری مذکور گردید ولی بدون آن معاهده هم گری‏ در همان اوایل ماه اوت 1914 بخوبی ثمرات سیاست ده سالهء خود را مجبور شد که بچیند.گری شرف انگلیس را در راه فرانسه و روس گرو گذارده بود.حالا ملّت انگلیس با خون خود آن شرف را تطهیر میکند.

تلفات دو سالهء جنگ بحری

ادارهء تلگراف رسمی آلمان«ولف»جداول ذیل را در خصوص تلفات‏ بحری دول محاربه در عرض این دو ساله جنگ منتشر ساخته است:

1-کشتیهای جنگی،از«دردنات»و زرهپوش و توپدار و غیرها:

سال اوّل جنگ‏\عدّه‏\گنجایش بخروار

انگلیس و متّفقین....\27\790‘687

آلمان و متحدین....\20\963‘327

سال دوّم جنگ

انگلیس و متّفقین....\22\960‘798

آلمان و متّحدین....\10\630‘246

مجموع تلفات متفقین....\49\750‘486‘1

مجموع تلفات متّحدین....\30\593‘574

2-کشتیهای تجارتی،از ابتدای جنگ تا آخر شعبان 1334 تلفات‏ کشتیهای تجارتی متّفقین عبارت است از 303‘1 کشتی با گنجایش‏ 615‘722‘7 خروار.مجموع قوای بحری متّفقین سه برابر و نیم قوای‏ متحدین است و باوجوداین تلفات بحری آنها تقریبا سه برابر تلفات‏ اینهاست.

تکذیب

در شمارهء گذشتهء«کاوه»در ضمن اخبار اخیرهء ایران از شایعات‏ دروغ روزنامهای روسی دربارهء قبول نمودن دولت ایران حمایت دولتین‏ روس و انگلیس را و تکذیب رسمی آن از طرف دولت ایران و بتوسّط سفرای خود در ممالک خارجه صحبتی شده بود.اکنون عین صورت‏ تکذیب‏نامهء را که سفارت ایران در هلاند بجرائد آن مملکت فرستاده و در روزنامهء«گازت دو هلاند»مورّخهء بیستم اکتبر 1916(22 ذی الحجّه‏ 1334)طبع شده ذیلا درج مینمائیم:

«بعضی از جراید خارجه در ضمن مقالات خود نوشته‏اند که عهد نامهء بین دولت ایران و دولتین روس و انگلیس بسته شده و ذکری از برقراری اصول حمایت روس و انگلیس در ایران با قبول و رضای‏ دولت ایران نموده‏اند.سفارت امپراطوری ایران در لاهه مأمور است‏ که اشاعات فوق را که بهیچ وجه با حقیقت امر مطابقت ندارد تکذیب نماید».

لایحه

هیئت اتّحادیهء ملل خارجی روس که سابقا لایحهء برئیس جمهوری ممالک‏ متّحدهء امریکا فرستاده بودند و صورت آنرا ما در شماره 7-8 کاوه درج‏ کردیم لایحهء ذیل را بملّت لهستان فرستاده‏اند.

«در ماه مه(رجب 1334)بیهوده عرضحالی برئیس جمهوری ممالک متّحدهء امریکا نمودیم و هنوز هم چشم براه جواب آن هستیم امّا بعضی از دول معظّمهء دیگر مشهود داشتند که انسانیّت و عدالت هنوز زنده است و اصول آزادی‏ ملل با وجود جنگ و محنت عالمگیر از میان نرفته.

ای ملّت لهستان تو اوّلین ملّتی هستی که فهمیدی پافشاری در راه‏ حقوق شخصی و اطمینان راسخ بحقانیّت حقوق ملّی هیچوقت بی‏ نتیجه نمیماند.

پس از یک قرن تحمّل جور و ستم تو بالأخره خود را رسما از تحت‏ تسلّط دولت روسیّه خارج نمودی.تو رشیدترین فرزندان خود را برای‏ تسخیر آزادی در تحت سلاح آوردهء.خون آنها بیهوده ریخته نشد و تو امروز بآتیهء آزاد و بترقّیات ملّیهء خود اطمینان کامل داری.

در موقع این واقعهء میمون که پایهء سعادت نسلهای آتیه تو است‏ مسئلتها و تهنیات ما را بپذیر.از خداوند خواستاریم که در مرزوبوم تو عدالت حکمروا باشد.

آشکار است که پس از آنهمه جوروجفائی که تو کشیدهء حالا رعایت‏ احترام ملل و مذاهب دیگر را خواهی نمود.ای ملّت لهستان دست از جنگ با ظالمین برمدار.لایحهء را که برئیس هیئت اتّحادیه میشل لمپیکی‏1در مجمع بین المللی لوزان نوشته شده و در آنجا گفته شده بود که«ملّت‏ لهستان تو پیش بیفت ما در پی تو خواهیم آمد»مدام در مدّ نظر داشته باش».

(1) Michel Lempicki